

مطالعه تطبیقی خشونت خانگی از منظر فقه و جرم‌شناسی*

□ مجید تلخابی**

□ محمد فتحی***

چکیده

خشونت خانگی به عنوان شایع‌ترین خشونت علیه زنان، هر نوع اقدام خشونت‌آمیز جنسیتی است که به آسیب بدنی، جنسی، روانی و یا افزایش احتمال بروز آن در زنان منجر شده و زندگی زنان را در همه عرصه‌های عمومی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهند و نیز به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی جوامع معاصر، پیامدهای ناگواری بر ساختار خانواده و جامعه دارد.

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی خشونت خانگی از منظر فقه اسلامی و جرم‌شناسی انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد معتبر صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه اسلامی با تأکید بر کرامت انسانی و حفظ حقوق خانواده، هرگونه خشونت را نفی می‌کند و راهکارهای پیشگیرانه‌ای ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خشونت خانگی، فقه اسلامی، جرم‌شناسی، حقوق خانواده، پیشگیری از جرم، کرامت انسانی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۸/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰.

** استادیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه (talkhabimajid@gmail.com).

*** دانش‌پژوه دکتری فقه و حقوق قضایی دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)

(mohammadfathi1979@gmail.com).

مقدمه

یکی از مسائل و آسیب‌های مهم در حوزه خانواده، خشونت خانگی است که هم ابعاد فردی و خانوادگی دارد، هم در سطح کلان مسائل اجتماعی و جامعه تأثیرگذار است. خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش حیاتی در شکل‌گیری شخصیت افراد و سلامت جامعه ایفا می‌کند. با این حال، پدیده خشونت خانگی به عنوان یکی از آسیب‌های جدی، کارکردهای این نهاد مقدس را تهدید می‌کند. امروزه خشونت خانگی به معضلی جهانی تبدیل شده و صرف‌نظر از سطح توسعه‌یافتگی کشورها، در تمامی جوامع مشاهده می‌شود. نهاد خانواده زمانی می‌تواند کارکرد خویش را به درستی انجام دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد. بنابراین خشونت که از جمله عوامل تأثیرگذار بر سلامت و امنیت خانواده است این نهاد را به شدت تهدید می‌کند. یکی از بارزترین مصادیق خشونت خانگی، خشونت علیه زنان در نهاد خانواده است.

خشونت خانگی علیه زنان به منطقه خاص جغرافیایی و یا سطح معینی از اقتصاد و رفاه بستگی ندارد و می‌توان آن را در همه جوامع و لایه‌های اجتماعی مشاهده کرد. نهاد خانواده زمانی می‌تواند کارکرد خویش را به درستی انجام دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد. بنابراین خشونت که از جمله عوامل تأثیرگذار بر سلامت و امنیت خانواده است این نهاد را تهدید می‌کند. مسئله رفتار با زنان در داخل خانه و خانواده که زمانی امری خصوصی محسوب می‌شد امروزه دیگر در حیطه مسائل مهم حقوق بشری وارد و از قلمرو حقوق همسران و مردان خارج شده است. همچنین مورد توجه و حساسیت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی دولتی و غیر دولتی و سازمان‌های تخصصی مرتبط قرار گرفته است (نجفی توانا، ۱۴۰۲: ۲۲۷). لازم به توضیح است که اعمال خشونت علیه زنان فقط این گروه را قربانی نمی‌کند، بلکه کودکان هم از این وضعیت تأثیر می‌پذیرند. کودکانی که شاهد رفتارهای خشونت‌آمیز در خانواده هستند، به خصوص بعد از دوران طفولیت و سال‌های قبل از بلوغ، اثرات بسیار منفی بر آنان باقی خواهد ماند و در سنین بالاتر حس حسادت، خصومت و خشونت نسبت به دیگران در آنان تقویت خواهد شد (نجفی توانا، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

سازمان عفو بین‌الملل که یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی فعال در

زمینه حقوق بشر به شمار می‌رود به صراحت بیان کرده است که حقوق زنان، حقوق بشر است و نقض حقوق زنان، نقض حقوق بشر خواهد بود (ره‌کشایی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی پدیده خشونت خانگی از دو منظر فقه اسلامی و جرم‌شناسی، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از آموزه‌های فقهی و یافته‌های علم جرم‌شناسی، راهکارهای مؤثری برای پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی ارائه داد.

۱. مفهوم شناسی و انواع خشونت خانگی

با توجه به کثرت استفاده از واژه خشونت در ادبیات روزمره مردم، ممکن است چنین به نظر برسد که ارائه تعریفی از خشونت امری زائد است و چه بسا گفته شود مفهوم خشونت، بیش از آن بدیهی است که نیاز به تعریف داشته باشد، اما واقعیت امر غیر از این است. مفهوم خشونت بر خلاف تصور فوق، آنچنان مبهم و نامشخص است که تا به حال تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است و تنها به ذکر مصادیقی از آن اکتفا شده است. آنچه ارائه تعریف خشونت را با مشکل بیشتری مواجه می‌سازد این است که مفهوم خشونت علاوه بر آنکه بسیار مبهم است، کاملاً نسبی است و متناسب با زمان و مکان و موقعیت می‌تواند تغییر ماهیت و معنی بدهد.

۱-۱. تعریف خشونت خانگی

واژه خشونت خانگی در لغت فارسی، به معنای درشتی، زبری و در مقابل نرمی آمده است و از مصادیق تندخویی، خشم و غضب، درشتی کردن و... نام برده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷).

خشونت خانگی به اعمال خشونت‌آمیز علیه اعضای خانواده، به ویژه زنان و کودکان، اطلاق می‌شود. در فقه امامیه، این پدیده به عنوان نقض حقوق زوجین و خانواده تلقی شده و احکام آن بر پایه رعایت عدالت و اخلاق اسلامی تعیین می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷). خشونت در صورت‌های پیشا مدرن کاملاً ماهیت فیزیکی داشته و بنابراین، از جنبه نمایشی بسیار قوی بهره می‌برده است، ولی خشونت مدرن ماهیت تکنولوژیک به خود گرفته و اجرای آن هم در حوزه روان‌شناسی و هم در حوزه فیزیکی ممکن است. فرهنگ حقوق «Black» خشونت را

«استفاده نابجا، غیرقانونی و تعرض آمیز از قدرت» تعریف می‌کند. از لحاظ لغوی خشونت را «شدت عمل و به کارگیری ابزارهای ایدایی و تنبیهی» تعریف کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی و حبیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۳/۲). در روان‌شناسی پدیده خشونت خانگی به عنوان یک اختلال رفتاری ناشی از عوامل اجتماعی و روانی شناخته می‌شود (کریمی، ۱۳۹۶).

خشونت خانگی شامل هر نوع آزار و تهدید جسمی، آزار و تهدید روانی، خشونت‌های مالی، خشونت‌های رفتاری و گفتاری می‌شود که معمولاً در محیط خصوصی خانه، بین افرادی که باهم رابطه سببی و نسبی دارند اتفاق می‌افتد. به طور کلی می‌توان گفت که خشونت خانگی سوء استفاده از قدرت و ایجاد کنترل بر روی فرد دیگری است که با خشونت گر رابطه نزدیکی دارد و در زیر یک سقف زندگی می‌کنند (اعزاز، ۱۳۸۳: ۱۴).

۱-۲. انواع خشونت خانگی از دیدگاه جرم‌شناسی

۱-۲-۱. خشونت جسمانی

خشونت جسمانی شامل هر گونه خشونت فیزیکی است که تمامیت جسمانی فرد را به مخاطره می‌اندازد و شامل مصادیق ذیل است: فشار دادن، هل دادن، کشیدن موها، با دست و یا شیئی در دست ضربه وارد کردن، ایراد ضربه شدید (کتک زدن)، لگد زدن، سوزاندن، گاز گرفتن، گرفتن گلو (خفه کردن)، سوراخ کردن (چاقو کشیدن)، قطع اندام‌های جنسی، شکنجه دادن، قتل عمدی یا هرگونه ناراحتی و سختی که از صدمات ناشی از آسیب‌های وارده بر کوچک‌ترین بافت‌ها، شکستن دندان‌ها و استخوان‌ها تا آسیب‌های دائمی و مرگ حاصل می‌شود (نک: آرین و دیگران، ۱۳۷۵: ۱-۹۰).

۱-۲-۲. خشونت روانی

هر نوع رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه سازد و مصادیق آن عبارت‌اند از: انتقاد ناروا و مداوم، تهدید به ازدواج مجدد، تهدید به طلاق، حسادت بیمارگونه، محدود کردن آزادی رفتار و حرکات، اجبار به کارهای خلاف طبع، تخریب دارایی‌های زن و فرزندان، عدم احساس امنیت، سرزنش کردن، مسخره کردن، ارائه

نظریات مغرضانه یا تحقیرکننده، تهدیدات، جداسازی، اهانت، زبردست آزاری، رفتارهایی که اعتقادات فرهنگی یا مذهبی زنان را مورد استهزاء قرار می‌دهد، تنبیه کردن و یا مجبور کردن آنان به پذیرش سیستم عقیدتی دیگر، فحش دادن، توهین کردن و به طور عمومی این نوع رفتارها معمولاً برای آسیب رساندن بر خود باوری و اعتماد به نفس استفاده می‌شود، خصوصاً اگر دائمی باشد (جوان مرد، ۱۳۹۰: ۸).

۳-۲-۱. خشونت جنسی

خشونت جنسی هر گونه رفتار غیراجتماعی است که از لمس کردن تا تجاوز را دربر می‌گیرد. به عبارتی به هر نوع رفتار خشن جنسی یک فرد نسبت به فرد دیگر علی‌رغم مخالفت وی اطلاق می‌شود و می‌تواند با انگیزه تهدید، سوءاستفاده، صدمه و آسیب جنسی انجام پذیرد. رابطه جنسی اجباری پس از ازدواج، تجاوز جنسی، تن‌فروشی اجباری، ازدواج‌های زودهنگام، ختنه زنان، تست باکرگی، اجبار برقراری رابطه جنسی در ایام عادت ماهیانه و مواقع مریضی، توقعات غیرمعارف در هنگام سکس، حاملگی اجباری و... تمام اعمالی را که بدن زن و نحوه استفاده زن از بدنش را تحت کنترل قرار می‌دهند می‌توان از مصادیق خشونت جنسی دانست (همان).

۴-۲-۱. خشونت اقتصادی

خشونت اقتصادی هر نوع رفتار خشنی است که از روی قصد و نیت، زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد و دارایی تحت فشار و آزار قرار دهد؛ مصادیق آن عبارتند از: عدم پرداخت نفقه، بخیل بودن، دریافت اجباری حقوق زن، دریافت اجباری ارثیه زن، کنترل وسواس گونه مخارج زن، کنترل کردن ناعادلانه مبنی بر دسترسی به منابع قابل تقسیم، برای نمونه روا نداشتن یا کنترل کردن دستیابی به پول خانگی، جلوگیری از دسترسی یافتن شریک زندگی به استخدام یا تحصیلات بیشتر یا جلوگیری اهل خانه از دسترسی یافتن همسر به حق مالکیت خود (قادری، ۱۴۰۰: ۲۵).

۱-۲-۵. خشونت عاطفی

مراد از خشونت عاطفی یا روانی علیه زنان هر گونه رفتار و گفتار خشونت‌آمیز است که شخصیت آنان را خدشه‌دار کند و حیثیت، آبرو، شرافت و اعتماد به نفس زن را از بین ببرد. هر چند خشونت روانی به تناسب فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه و سعتی متغیر دارد، اما غالباً به شکل خشونت کلامی بروز پیدا می‌کند. با وجود این، این قسم از خشونت به صورت اشکال گوناگون بر زنان تحمیل می‌شود: داد و فریاد و رسیدن اختلافات به گوش همسایه‌ها و اطرافیان، تمسخر در جمع خانوادگی و دوستان یا در مکان‌های عمومی، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری زن، تهدید قربانی به استفاده از انواع دیگر خشونت، تحقیر از طریق انتقاد و سرزنش خانواده و دوستان زن، تهدید به طلاق یا ازدواج مجدد، مقایسه همسر، ایرادگیری از خانه‌داری و اصول تربیتی همسر، بی‌اعتنایی و منت‌گذاری در قبال انجام وظایف شرعی و قانونی، بدگمانی و بی‌اعتمادی، منع از اشتغال، تهدید به آزار و اذیت و یا کشتن همسر و فرزندان، انتساب القاب ناپسند و قهر طولانی مدت. البته این موارد فقط نمونه‌های تکراری و رایج خشونت عاطفی علیه زنان در خانواده است که در گذر زمان آشکار شده‌اند و این در حالی است که روز به روز بر گستره این مصادیق افزوده می‌شود (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

۱-۲-۶. خشونت سیاسی

خشونت سیاسی با عملکرد اهرم‌های قدرت رسمی، یعنی دولت، علیه زنان اعمال می‌شود. این نوع خشونت به صورت غفلت از حقوق انسانی زنان در قانون‌گذاری انعکاس می‌یابد و به صورت عدم پشتیبانی از برابری حقوق زن و مرد در سیاست‌گذاری ظاهر می‌شود. این نوع از خشونت به‌خصوص در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی دولت تجلی می‌یابد. به سخن دیگر خشونت سیاسی علیه زنان به استناد برداشت‌های خاص از دین و هنجارهای اجتماعی تقویت شده و گسترش یافته است (امیری، ۱۳۹۷: ۱۶).

۱-۲-۷. خشونت قانونی و خشونت مقنن

مقصود از خشونت مقنن (که شاید بتوان با اندکی تسامح آن را خشونت قانونی خواند)

خشونت است که قانون‌گذار به واسطه فعل یا ترک فعل خویش بر کل جامعه یا قشر یا اقشار خاصی از جامعه وارد می‌کند، مقصود از فعل مقنن، تصویب مقررات قانونی و مقصود از ترک فعل مقنن، عدم تصویب مقررات قانونی است (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۰). در این نوع از خشونت مقنن مقرراتی را تصویب می‌کند که به ضرر زنان یا عضو ضعیف خانواده بوده و یا از تصویب قوانین لازم در حمایت از آنان خودداری می‌کند.

۲. دیدگاه فقه اسلامی درباره خشونت خانگی

فقه اسلامی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین علیهم‌السلام، اصل را بر مودت و رحمت در روابط خانوادگی قرار داده است. خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره روم، یکی از نشانه‌های خود را ایجاد مودت و رحمت میان زوجین می‌داند. فقهای اسلام با استناد به منابع دینی، هرگونه خشونت و آزار در محیط خانواده را مذموم دانسته و بر حفظ کرامت انسانی تأکید می‌کنند.

فقه امامیه بر حفظ کرامت انسانی و رعایت عدالت تأکید دارد. به طوری که هرگونه رفتار خشونت‌آمیز، به ویژه در چارچوب خانواده، خلاف آموزه‌های قرآنی و روایی محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸). به عنوان مثال، آیه ۱۹ سوره نساء، مردان را به رفتار نیکو با زنان تشویق می‌کند. همچنین، فقه بر نقش میانجیگری و تربیت اخلاقی در کاهش خشونت خانگی تأکید دارد (شهیدی، ۱۳۹۳). در ادامه مبانی فقهی خشونت خانگی را بیان می‌کنیم.

۲-۱. بررسی آیات و روایات مرتبط با خشونت خانگی

فقه اسلامی به عنوان شاخه‌ای از علوم دینی مبنای خود را بر قرآن و سنت قرار داده است. یکی از آیات مهم درباره خشونت خانگی، آیه ۳۴ سوره نساء است که در آن به وظایف مردان در قبال زنان و خانواده پرداخته شده است: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله على بعض...». این آیه ضمن تأکید بر مسئولیت مردان، ظلم یا تعدی نسبت به حقوق زنان را نفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز به لزوم رعایت عدالت و محبت در خانواده تأکید دارند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص فرموده‌اند: «بهترین شما کسی است که با خانواده اش خوش‌رفتارتر

باشد» (کلینی، ۱۳۶۵). چنین بیاناتی نشان می‌دهند که خشونت خانگی مغایر با اصول اسلامی است و هیچ‌گونه توجیه شرعی ندارد.

۲-۲. نقش عدالت و رأفت در زندگی خانوادگی از منظر فقه

فقه اسلامی بر پایه دو اصل عدالت و رأفت بنا شده است. عدالت در خانواده به معنای رعایت حقوق همه اعضای خانواده است و در آیات متعددی مانند آیه ۵۸ سوره نساء بر اهمیت آن تأکید شده است: «ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها...». رأفت نیز به عنوان اصل دیگری، همواره مورد توجه بوده است؛ در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «المراه ریحانه و لیست بقهرمانه»، که تأکیدی است بر لطافت و جایگاه ویژه زن در خانواده (مطهری، ۱۳۷۵).

۳. حکم فقهی خشونت خانگی

۳-۱. جایگاه مرد و زن در خانواده از دیدگاه اسلام

در فقه اسلامی، مرد به عنوان مدیر خانواده مسئول تأمین نیازهای اقتصادی و امنیت خانواده است، در حالی که زن به عنوان شریک زندگی وظایفی در چارچوب تربیت فرزندان و ایجاد فضای آرامش بخش دارد. این تقسیم وظایف نباید به خشونت و تحکم تبدیل شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶). فقه تأکید دارد که هر گونه اعمال قدرت بدون رعایت عدالت، نه تنها حرام، بلکه مخالف روح زندگی اسلامی است و چنانچه استمرار یابد باعث تضعیف بنیان خانواده شده و از هم پاشیدن نهاد خانواده را به دنبال خواهد داشت.

۳-۲. برخورد فقه با خشونت مرد علیه زن و بالعکس

از نظر فقهی، هر گونه خشونت علیه زن، مانند ضرب و شتم، توهین یا محدودیت‌های غیر منطقی، محکوم است و در صورت بروز، زن حق مراجعه به قاضی برای مطالبه حق خود را دارد. امام خمینی علیه السلام در تحریرالوسیله بیان فرموده اند: در صورتی که مرد از حد شرعی تجاوز کند، زن حق دارد به دادگاه مراجعه کرده و درخواست رفع ظلم کند (خمینی، ۱۴۰۰) البته باید

توجه داشت که فقه تنها خشونت مرد علیه زن یا سایر اعضای خانواده را مضموم ندانسته و برخورد فقه در مقابله با خشونت فرا جنسی است.

یکی از حقوق‌دانان در این زمینه بیان داشته است: «اگر زن به مرد یا سایر اعضای خانواده توهین یا اعمال خشونت کند، مرد نیز می‌تواند برای احقاق حق خود اقدام کند. در این موارد فقه اسلامی از میانجی‌گری و نصیحت برای حل مشکلات استفاده می‌کند (مظفری، ۱۳۹۳).

۴. رویکرد جرم‌شناختی به خشونت خانگی

جرم‌شناسی به عنوان علمی میان‌رشته‌ای، با بهره‌گیری از یافته‌های علوم مختلف مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق، به بررسی علل وقوع خشونت خانگی می‌پردازد. از دیدگاه روان‌شناسی، خشونت خانگی هر گونه رفتار پرخاشگرانه، آسیب‌زا یا کنترل‌گرانه‌ای است که یکی از اعضای خانواده بر دیگری تحمیل می‌کند. این رفتارها می‌تواند شامل حملات جسمی، تهدیدهای روانی یا محدودیت‌های اجتماعی باشد (بارکلی، ۱۳۹۵). در علم حقوق خشونت خانگی، به اقداماتی گفته می‌شود که یکی از اعضای خانواده (همسر، والدین یا فرزندان) برای آسیب یا کنترل دیگری انجام می‌دهد. قانون مدنی و قانون حمایت خانواده در ایران مواردی مانند پرداخت نکردن نفقه، محدودیت‌های اجتماعی و استفاده از زور علیه همسر یا فرزند را از مصادیق خشونت خانگی قلمداد کرده و برای آن مجازات‌هایی در نظر گرفته است (مظفری، ۱۳۹۳).

نظریه‌های جرم‌شناختی، عوامل متعددی را در بروز خشونت خانگی دخیل می‌دانند، از جمله:

الف) عوامل فردی (اختلالات شخصیتی)

اختلالات روانی یکی از عوامل کلیدی خشونت خانگی هستند. افرادی که دچار اختلالات روانی نظیر اختلال شخصیت ضد اجتماعی، اختلالات اضطرابی یا افسردگی هستند، بیشتر در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز قرار می‌گیرند. تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که دچار اختلالات کنترل خشم هستند، در مدیریت هیجانات خود ناکارآمد عمل می‌کنند و این امر می‌تواند زمینه‌ساز خشونت خانگی شود (ملایری و سایرین، ۱۴۰۳: ۲۹۲).

ب) استرس و فشارهای روانی

فشارهای روانی ناشی از مسائل اقتصادی، مشکلات شغلی یا تنش‌های زندگی روز مره نیز می‌توانند زمینه‌ساز خشونت خانگی باشند. روان‌شناسان معتقدند که استرس بیش از حد، توانایی حل مسئله را کاهش داده و احتمال رفتارهای پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد. در این زمینه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استرس‌های مالی، یکی از رایج‌ترین علل در بروز خشونت علیه همسران است (همان: ۲۹۲).

ج) عوامل اجتماعی

محیط اجتماعی نیز نقش مهمی در بروز خشونت خانگی ایفا می‌کند. افرادی که در محیط‌های اجتماعی پرتنش یا محیط خانوادگی خشونت‌آمیز بزرگ شده‌اند، به احتمال زیاد به رفتارهای خشونت‌آمیز روی می‌آورند. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا نیز این موضوع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که افراد از طریق مشاهده رفتارهای خشونت‌آمیز در دیگران، این رفتارها را یاد می‌گیرند و تکرار می‌کنند (همان).

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. راهکارهای فقهی در مقابله با خشونت خانگی

۵-۱-۱. نقش حکم‌های تربیتی

فقه اسلامی بر آموزش و تربیت به عنوان ابزاری کارآمد برای پیشگیری از خشونت تأکید دارد. حضرت علی علیه السلام در خصوص اهمیت آموزش و پرورش فرموده‌اند: «قلب کودک مانند زمین خالی است؛ هر چه در آن بکاری، می‌پذیرد» (کلینی، ۱۳۶۵). بر همین اساس، خانواده‌ها تشویق می‌شوند که ارزش‌های اخلاقی و محبت را از سنین کودکی در بین اعضای خانواده نهادینه کنند.

۵-۱-۲. قضاوت و میانجیگری در فقه

فقه اسلامی به حل اختلافات خانوادگی از طریق قضاوت عادلانه و میانجیگری اهمیت زیادی

می‌دهد. آیه ۳۵ سوره نساء در این خصوص می‌فرماید: «وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلها...»). این آیه تأکید می‌کند که در صورت بروز اختلافات جدی، باید میانجی‌گری از سوی افراد امین دو طرف صورت گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

۳-۱-۵. تشویق به مشورت و همدلی

در آموزه‌های فقهی، مشورت و همدلی به عنوان راهکارهای پیشگیرانه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص فرموده‌اند: «المؤمنون کالجسد الواحد...». این اصل در خانواده نیز کاربرد دارد و مشورت به عنوان ابزار حل مشکلات معرفی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۵).

از دیگر راهکارهای فقه اسلامی در مقابله با خشونت خانگی می‌توان به مصادیق زیر اشاره نمود:

۱. تأکید بر اصل کرامت انسانی و حرمت آزار دیگران

۲. ارائه الگوی رفتاری مبتنی بر احترام متقابل

۳. تبیین حقوق و تکالیف متقابل اعضای خانواده

۴. تأکید بر نقش تربیتی والدین و مسئولیت آنها

۲-۵. راهکارهای جرم‌شناختی در مقابله با خشونت خانگی

۱-۲-۵. آموزش مهارت‌های ارتباطی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای جرم‌شناسی و روان‌شناسی برای پیشگیری از خشونت خانگی، آموزش مهارت‌های ارتباطی به زوجین است. این مهارت‌ها شامل توانایی گوش دادن، مدیریت خشم و حل تعارضات است. مطالعات نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی مرتبط با بهبود ارتباطات خانوادگی می‌توانند بروز خشونت را به طور قابل توجهی کاهش دهند (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۲-۵. مشاوره خانوادگی

مشاوره خانوادگی نقش مهمی در کاهش خشونت خانگی دارد. مشاوران با کمک به

خانواده‌ها در شناسایی مشکلات و ارائه راه حل‌های علمی، می‌توانند به بهبود روابط خانوادگی و کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز کمک کنند. مشاوره خانوادگی به ویژه در مواردی که خشونت نتیجه سوء تفاهم‌ها یا تنش‌های موقتی است، بسیار موثر است (ملایری و سایرین، ۱۴۰۳: ۲۹۴).

۳-۲-۵. روان درمانی

روان درمانی به ویژه برای افرادی که دچار اختلالات روانی یا مشکلات عمیق شخصیتی هستند، ضروری است. روان درمانی فردی یا گروهی می‌تواند به افراد کمک کند تا الگوهای رفتاری مخرب را شناسایی کرده و آنها را تغییر دهند. درمان‌های مبتنی بر شناخت-رفتار (CBT) از جمله روش‌های موثر در این زمینه است (همان، ۲۹۴).
از دیگر راهکارهای جرم‌شناسی در مقابله با خشونت خانگی می‌توان به مصادیق زیر اشاره نمود:

۱. شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی موقعیت‌های خشونت‌زا
۲. حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از خانواده‌های آسیب‌پذیر
۳. تدوین قوانین حمایتی و اجرای مؤثر آنها

۶. نقاط اشتراک دیدگاه فقهی و جرم‌شناختی

۶-۱. نقش ساختاری در اصلاح رفتار

هم فقه اسلامی و هم جرم‌شناسی، اصلاح رفتار انسان‌ها را هدف اصلی خود قرار داده‌اند. در فقه، این اصلاح از طریق تعلیم احکام و قوانین شرعی صورت می‌گیرد که مبتنی بر حفظ تعادل اخلاقی و اجتماعی است (مطهری، ۱۳۹۸). در جرم‌شناسی نیز با عنایت به اینکه علمی میان رشته‌ای است، با استفاده از تئوری‌های جرم‌شناسی، رفتار شناسی و جامعه شناسی و یافته‌های علم حقوق تلاش می‌شود تا رفتار و عملکرد افراد در جهت مطلوب هدایت شود.

۶-۲. اهمیت کرامت انسانی

هر دو رشته به حفظ کرامت انسانی تأکید داشته و احترام به شخصیت انسان‌ها را حتی در

اقدامات کنش‌گرانه به رفتار انسان‌ها در اولویت قرار می‌دهند. از منظر فقه اسلامی، انسان موجودی مختار و شایسته تکریم الهی است و خشونت خانگی به دلیل تعرض به این کرامت، محکوم است (جوادی آملی، ۱۳۸۷). در جرم‌شناسی نیز احترام به شخصیت افراد و جلوگیری از تخریب روانی قربانیان خشونت، مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد و جرم‌شناسان اعتقاد دارند حفظ کرامت انسانی قربانیان خشونت و مرتکبین بزه، باعث باز اصلاح‌پذیری افراد شده و رشد افراد را در جامعه به دنبال خواهد داشت.

۳-۶. نقش میانجی‌گری

فقه و جرم‌شناسی هر دو میانجی‌گری را به عنوان راهی برای کاهش تنش‌های خانوادگی توصیه می‌کنند. در فقه اسلامی، نقش قاضی یا بزرگان خانواده برای حل و فصل اختلافات خانوادگی اهمیت زیادی دارد (کلینی، ۱۳۷۸). در جرم‌شناسی نیز نقش مشاوران، درمانگران و نهادهای داوری در ایجاد گفت‌وگوی سالم میان اعضای خانواده پر رنگ بوده و دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۴-۶. تأکید بر پیشگیری به جای درمان

فقه و جرم‌شناسی هر دو تأکید ویژه‌ای بر پیشگیری داشته و معتقد هستند که برخورد عاطفی بین اعضای خانواده و درک متقابل طرفین نقش قابل توجهی در کاهش تنش‌های خانوادگی دارد و صرفاً در رویکردهای پیشنهادی آنان تفاوت وجود دارد به طوری که فقه عمل به آموزه‌های دینی و آیات و روایات را محور آموزه‌های خود قرار می‌دهد و جرم‌شناسی بیشتر با رویکرد تجربی با این پدیده برخورد کرده و عمل به توصیه‌های روانشناسی و یافته‌های تجربی جامعه‌شناسان، روانشناسان و حقوق‌دانان را جهت پیشگیری از تنش‌های خانوادگی و برخوردهای خشونت‌آمیز بین اعضای خانواده مورد توجه قرار می‌دهد.

۷. نتیجه

این پژوهش نشان می‌دهد که فقه اسلامی و جرم‌شناسی، علی‌رغم تفاوت در رویکردها و روش‌ها، در هدف نهایی که همانا پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی است، اشتراک نظر

دارند. تلفیق آموزه‌های فقهی با یافته‌های علمی جرم‌شناسی می‌تواند به ارائه راهکارهای جامع و کارآمدتری در این زمینه منجر شود. با این حال فقه اسلامی و جرم‌شناسی در برخورد با خشونت خانوادگی هرکدام نقاط قوت و نقاط ضعفی دارند که تلفیق آموزه‌های آنها با یکدیگر باعث هم پوشانی نقاط ضعف این دو رشته خواهد شد.

۷-۱. تبیین نقاط قوت فقه

یکی از نقاط قوت رویکرد فقهی در برخورد با خشونت خانگی، تأکید بر حفظ کرامت انسانی و توجه به آیات و روایات دینی است. فقه اسلامی به ویژه در ابعاد حقوقی و اخلاقی، قواعدی را برای حمایت از خانواده و جلوگیری از خشونت وضع کرده است. این قواعد ضمن تأکید بر بازدارندگی، توجه به حقوق فردی و اجتماعی اعضای خانواده را مدنظر قرار دارد (مطهری، ۱۳۹۸).

۷-۲. تبیین نقاط ضعف فقه

از سوی دیگر، یکی از ضعف‌های رویکرد فقهی ممکن است در زمینه تطبیق برخی احکام با شرایط روز و نیازهای روانی باشد. فقه به ویژه در برخی مسائل اجتماعی ممکن است انعطاف‌پذیری کافی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های جدید نداشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷).

۷-۳. تبیین نقاط قوت جرم‌شناسی

رویکرد جرم‌شناسی به خشونت خانگی بر مشاهدات تجربی و داده علمی استوار است. این رویکرد به ویژه در بررسی عواملی که موجب خشونت می‌شود و تأثیر روانی آن بر قربانیان، قابلیت‌های زیادی دارد. درمان‌های جرم‌شناختی، که منبعث از مباحث روانشناسی و یافته‌های علمی هستند؛ می‌توانند در شناسایی و تغییر رفتارهای خشونت‌آمیز به طور موثری عمل کنند (ملایری و سایرین، ۱۴۰۳: ۲۹۶).

۷-۴. تبیین نقاط ضعف جرم‌شناسی

علی‌رغم نقاط قوت جرم‌شناسی در برخورد با خشونت خانگی، یکی از ضعف‌های رویکرد

جرم‌شناختی در برخورد با خشونت خانگی که منبعث از علوم تجربی است، محدودیت در تأثیرگذاری اجتماعی و قانونی است. جرم‌شناسی به تنهایی نمی‌تواند مسئله خشونت خانگی را در سطح جامعه حل کند، چرا که ابزارهای آن معمولاً در چارچوب روابط فردی و درمانی محدود می‌ماند و نیاز به حمایت‌های اجتماعی و قانونی دارد (همان، ۲۹۷). و در صورت عدم هماهنگی و عدم حمایت نهادهای حاکمیتی اعم از نهاد قانون‌گذاری و نهاد اجرایی، نمی‌تواند موثر در مقام باشد و یافته‌های آنان صرفاً در حد توصیه باقی می‌ماند.

با این حال جهت بهبود روابط خانوادگی و جلوگیری از خشونت خانگی و پیشرفت ملموس در این حوزه پیشنهاد می‌شود موارد ذیل مورد توجه ویژه قرار گیرد:

۱. تقویت آموزش‌های پیش از ازدواج با تأکید بر آموزه‌های دینی و مهارت‌های زندگی

۲. ایجاد مراکز مشاوره خانواده با رویکرد تلفیقی فقهی-جرم‌شناختی

۳. تدوین قوانین حمایتی با در نظر گرفتن هر دو دیدگاه

۴. گسترش پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در این حوزه

برای پژوهش‌های آتی موضوعات ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. بررسی تطبیقی خشونت خانگی در فقه مذاهب اسلامی؛

۲. مطالعه تأثیر آموزه‌های دینی بر کاهش خشونت خانگی؛

۳. ارزیابی اثربخشی برنامه‌های پیشگیری از خشونت خانگی با رویکرد تلفیقی؛

۴. بررسی نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از خشونت خانگی.

کتابنامه

- آرین، علی و علی میرسعید قاضی، کار پایه عمل و اعلامیه پکن، تهران، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵.
- اعزازی، شهلا، "ساختار جامعه و خشونت علیه زنان"، رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۸۳.
- امیری، سحر، "بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان"، نشریه پژوهش‌های حقوقی قانون یار، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۹۷.
- بارکلی، جرج، روان‌شناسی خانواده، ترجمه علی موسوی، تهران، نشر رشد، ۱۳۹۵.
- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶.
- جوان‌مرد، بهروز، خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه‌دیده، نشریه قضاوت، شماره ۹۶، ۱۳۹۰.
- خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۰۰ ق.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ره‌کشایی، حمیده، "نقش مداخله دولت‌ها در خشونت خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر"، نشریه پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۴، ۱۳۹۵.
- شهیدی، مهدی، فقه و حقوق خانواده، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۳.
- طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- قادری، زهره، شیوه‌های حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۴۰۰.
- کریمی، یوسف. مبانی روان‌شناسی، تهران، سمت، ۱۳۹۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
- مظفری، حمید، حقوق خانواده در ایران، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.

مطالعه تطبیقی خشونت خانگی از منظر فقه و جرم‌شناسی □ ۱۳۳

ملایری، محمدرضا؛ جعفری، محسن؛ خانوردیلو، مریم؛ خزایی، امیر، بررسی تطبیقی حکم فقهی و روان‌شناسی در برخورد با خشونت خانگی، نشریه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۸۱، ۱۴۰۳.

مهدوی، محمود، سینا رستمی، هادی کربلایی و مینا دیبامهر، "پیش‌گیری از بزه دیدگی زنان قربانی خشونت در خانواده با بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران". نشریه رهیافت پیش‌گیری، شماره ۲، ۱۳۹۶.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمد جعفر حبیب زاده و محمد علی طاهری، "خشونت و نظام عدالت کیفری"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۱، ۱۳۸۳.
نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات آموزش سنجش، ۱۳۸۵.

نجفی توانا، علی؛ جمشیدی، مریم، بررسی جرم‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و تأثیر آن بر طلاق، فصل‌نامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۸ شماره ۱۰۱، ۱۴۰۲.

